جایگاه فرزند از نظر اسلام و غرب (قسمت دوم)

پدید آورنده : محمد صادق شجاعی ، صفحه 2

در قسمت پیشین مقاله به مقایسه رویکرد اسلام و غرب در مورد فرزند پرداختیم و سپس نقش فرزند در تحکیم بهداشت روانی خانواده را آوردیم و به چهار نقش مهم اشاره کردیم که عبارت بودند از اندیشه فرزندآوری و سلامت روانی خانواده، لذت پدر و مادر شدن، آمادگی برای پدر و مادر شدن، و عشق به زندگی. اکنون به بررسی دیگر نقش ها و عوامل می پردازیم.

5. برآورده شدن انتظارات والدین و تقویت عزت نفس آنان

زن و مرد انتظار دارند که پس از ازدواج صاحب فرزند شوند و در موارد بسیاری این امر خود انگیزه ازدواج است. پدر و مادر عروس و داماد و خویشان و آشنایان نیز به گونه ای عمل می کنند که بیانگر چنین انتظاری است و انتظاراتی از این دست، در صورتی که به موقع رفع نشود موجب ارزشیابی منفی دیگران و در نتیجه خود پنداره منفی و عزت نفس پایین در زوجین می شود. در این صورت تصویری که آنها از خویشتن دارند، به طور ضمنی در همه واکنش های ارزشی آنان تجلی می کند. درصد افرادی که در جهان از نداشتن فرزند رنج می برند و مبتلا به بحران عزت نفس هستند قابل توجه است. این افراد کسانی هستند که تحمل تنهایی را ندارند، دائما احساس یک نیاز توأم با فشار برای داشتن فرزند دارند، اعتماد به نفس خود را در مقابل این وسوسه ذهنی که «دیگران درباره آنها چه فکر می کنند» از دست می دهند، و گاه و بیگاه احساس غم و اندوه و ناکامی و حیرت می کنند که دلیل محرومیت آنان از لذتِ داشتن فرزند چیست؟

برای آن که زوجین انتظارات خود و دیگران را برآورده کنند و به ارزش ها و هدف هایی که لازمه زندگی سعادتمند است نایل آیند، نیاز به تلاش برای داشتن فرزند دارند، و این به نوبه خود باعث تقویت عزت نفس در زوجین می شود. پس یکی از نقش های مثبت فرزند در خانواده، برآورده ساختن انتظارات والدین و دیگران و ایجاد و تقویت عزت نفس آنهاست.

تحقیقاتی در مورد قبول مسئولیت زوج های جوان جهت پدر و مادر شدن، توسط ماکسول و مونت گمری (1969) درباره 96 زوج 18 تا 21 ساله انجام شد. زنانی که پانزده سال از ازدواج آن ها گذشته بود، معتقد بودند بهترین سن برای فرزنددارشدن یکی از دو سال اول زندگی است؛ زیرا تولد فرزند در سالهای اول باعث تقویت عزت نفس والدین می شود. این پژوهش نشان داد نه تنها زوج های جوان از سوی والدین خود تشویق می شدند که بچه دار شوند بلکه بستگان، دوستان و همسایگان اصرار می ورزیدند و به آن ها فشار وارد می ساختند که اقدام به ازدواج کنند و بچه دار شوند. بنابراین، برای تحقق انتظارات افراد جامعه و بستگان و دوستان حضور فرزندان در زندگی خانوادگی ضروری به نظر می رسد. با وجود این، سنت ها و آداب و رسوم اجتماعی تأثیر بسزایی در زمینه انتظارات والدین و دیگران از زوج های جوان دارد.

بر اساس آموزه های دینی، احساس عزت نفس در خانواده های دارای فرزند بیش از خانواده های بدون فرزند است. رسول خدا (ص) می فرماید: «ما ولد فی اهل بیت غلام الا اصبح فیهم عزّ لم یکن» این تعبیر، به صراحت، نقش فرزند در ایجاد و تقویت عزت نفس والدین را نشان می دهد. تحقیقات تجربی نیز حاکی از آن است که کودکان به میزان قابل توجهی عزت نفس والدین شان را تحت تأثیر قرار می دهند.

6. احساس مثمر ثمر بودن

تولد فرزندان در محیط خانه احساس مفید بودن را برای والدین در پی دارد. مردان و زنان قاطع و هدفمند با توجه به توانایی هایی که دارند برای خود هدف هایی در نظر می گیرند و برای دستیابی به آن تلاش می کنند. هدف تشکیل خانواده آرامش روانی و تولید نسل است. این هدف ما را به جلو می برد و به ما انرژی می دهد. زندگی هدفمند مستلزم پر بار بودن است. باید شایستگی خود را ثابت کنیم. فرزند داشتن با احساس شایستگی و مثمر ثمر بودن در ارتباط است. به همین دلیل است که در روایات، داشتن فرزند به ثمره وجود والدین تعبیر شده است. امام سجاد (ع) می فرماید: باید بدانی که او از تو و ثمره وجود توست.

به راستی که تشبیه زیبای پیامبر (ص) شنیدنی است، آن جا که می فرماید: «فرزند صالح گلی از گل های بهشت است»، در این تعبیر نمادین، خانواده به گلستان و فرزندان به گل های زیبای آن تشبیه شده اند. بدیهی است که داشتن ثمرات نیکو عامل دلگرمی والدین و تداوم حیات مشترک آن ها بوده و احساس مثمر ثمر بودن و اعتماد به نفس را در آن ها به وجود می آورد.

7. اجتماعی شدن

منظور از اجتماعی شدن یا جامعه پذیری فرآیندی است که طی آن فرد به تدریج به شخصی خود آگاه، دانا و با تجربه در شیوه های فرهنگی تبدیل می شود. اجتماعی شدن، نسل های مختلف را به هم پیوند می دهد. تولد یک فرزند زندگی والدین را که مسئول پرورش او هستند تغییر می دهد و در نتیجه آن ها فرآیندهای یادگیری جدیدی را تجربه می کنند. هافمن (1973) تحقیقی درباره خانواده های دارای فرزند انجام داد و نتیجه گرفت که فرزند بر فرآیند اجتماعی شدن و جامعه پذیری والدین تأثیر می گذارد. هافمن موارد زیر را در خصوص فرزند دار شدن ارائه کرده است:

- کودکان با حضور خود، وضعیت بزرگسالان به خصوص زنان را تأیید نموده و به آن ها هویت اجتماعی می دهند.

- کودکان از طریق فعالیت های خود در مدرسه و مراکز تفریحات سالم و محیط همسایگی، والدین خود را با جامعه پیوند می دهند.

- فرزندان بر اساس شعایر مذهبیِ والدین شان رشد می کنند؛ زیرا والدین آنها بر اساس آن مفاهیم رفاه و آسایش دیگران را مقدم داشته و به اجتماعی شدن گروه تداوم می بخشند.

- کودکان به آنها اعتبار بخشیده و آنها را از تنهایی نجات می دهند.

- کودکان به زندگی خانوادگی نشاط و سرور بخشیده و آن را لذت بخش می کنند.

- کودکان با توجه به اصول اجتماعی شدن، شایستگی و صلاحیت والدین را رشد داده و حتی آنان را به مرز خود کفایی می رسانند.

- چون والدین بیش از افراد بی فرزند از تأیید اجتماعی بهره مندند، کودکان علاوه بر کسب شخصیت بر اعمال نفوذ والدین نیز می افزایند. این یک جنبه کلیدی اجتماعی شدن برای اکثریت مردم در هر فرهنگی است. اگر چه «ماهیت» دقیق و «نتایج» آن از نظر فرهنگی فرق می کنند.

بل (1968) نیز در تحقیقات خود نشان داد که کودک می تواند در جامعه پذیری والدین عنصری مهم به شمار آید.

8. رشد و تعالی شخصیت والدین

دانش، تجربه، گذر زمان و حتی پیمان ازدواج و شروع زندگی مشترک، وضعیت ها و نقش های بزرگسالی را به وجود نمی آورند، بلکه دوره پدر و مادری است که نقش های بزرگسالی را مشخص می سازد. هن، میلیسپ و هارتکا (1986) از مطالعات شخصیت به این نتیجه رسیدند که سازمان روانی انسان با پذیرفتن نقش پدر و مادری به کمال می رسد. آنها در این باره می گویند: «معمولاً این گونه تصور می شود که تغییرات عمده سازمان شخصیت در طول نوجوانی روی می دهند، اما این یافته ها نشان می دهند که تغییرات بسیار مشخص نه در طول نوجوانی بلکه در انتهای آن روی می دهد؛ یعنی زمانی که اکثر مردم در نهایت دچار «تغییرات نقش» ژرفی می شوند و به اشتغال به کار تمام وقت و ایفای نقش والدینی مشغول می شوند» بنابراین، به نظر می رسد که تجربه «پدر و مادری» در فراهم کردن تعالی و رشد شخصیت افراد دارای اهمیت ویژه باشد. وجود همین تجربه ها مجموعه کاملی از ارزش ها را به ساختار شخصیت والدین می افزاید. از این رو والدین در آموزه های دینی با قرار گرفتن در کنار خدا تقدیس شده اند. این ها همگی از کمال انسانی، سلامت روانی و شکوفایی فطرت انسانی به شمار می روند. والدین بدون هیچ استثنایی سرگرم آرمانی هستند که خارج از وجود خودشان و در چیزی بیرون از آنها وجود دارد. آن ها شیفته اند؛ شیفته به چیزی که برایشان بسیار گرانقدر است (فرزند). آن ها به کاری مشغولند که آن را تا حدودی تقدیر برایشان مقدر کرده و کاری که ضمن انجامش به آن عشق می ورزند (تربیت فرزند).

9. نگاه به فرزند عامل نشاط و سلامت روانی والدین

نگاه به فرزند می تواند موجب نشاط والدین و سلامت روانی آن ها شود. پژوهش ها نشان داده است که یکی از بزرگ ترین عوامل شادی آفرین برای والدین اولین ملاقات آن ها با فرزندان سالم خویش پس از تولد بوده است. هم زمان با تولد فرزند، زن و شوهری که صاحب فرزند شده اند، پدر و مادر خطاب می شود. و لذا آنها زندگی خود را معنا دارتر از گذشته می یابند. و بعدها نیز شنیدن الفاظ «مامان» و «بابا» از زبان کودک برای آن ها لذّت بخش است. تولد فرزندان هم فی نفسه موجب نشاط والدین می شود. زوجین از دیدن فعالیت های شیرین و دل انگیز آنها و نگاه به چهره های بشاش و تبسم آفرین فرزندان احساس شادمانی می کنند. بنابراین، همان گونه که تولد فرزندان می تواند موجب نشاط و سلامت روانی والدین شود، نگاه به چهره فرزند نیز می تواند نشاط وصف ناشدنی برای والدین به ارمغان آورد و موجب سلامت روانی آنان شود. لذا وقتی که از امام صادق (ع) سؤال می کنند که: از بهترین چیزها برای آدمی چیست؟ می فرماید: «نگاه کردن به فرزند جوانی که در حضور والدین است».

10. توسعه اقتصادی و برکت در خانواده

وضعیت معیشتی و رفاه اقتصادی در خانواده دارای نقش مهمی است. تأمین مخارج زندگی مشترک و هزینه فرزندان از قبیل خوراک، پوشاک و مسکن موجب شده است که عده ای زیر بار مسئولیت زندگی زناشویی و والدینی در سنین جوانی نروند.

اسلام و قرآن تشکیل خانواده و فرزندآوری را نه تنها باعث مشکلات معیشتی در خانواده نمی داند بلکه توسعه معیشتی را پس از ازدواج و صاحب فرزند شدن به واسطه تلاش و برکت همراه آن، تضمین کرده است. بر اساس آموزه های دینی، فقر و ناداری مانعی در جهت تشکیل خانواده و اندیشه فرزندآوری نیست؛ زیرا خداوند در پرتو ازدواج و فرزند برکت و بی نیازی عطا می کند. یکی از آموزه هایی که در روایات بر آن تأکید شده این است که فرزند موجب برکت در خانواده است. برکت عبارت است از فراوانی، رونق، فزونی، سعادت و نیک بختی. در این تعریف برکت شامل مجموعه ای از هیجان ها، اندیشه ها، رفتارها و احساس هایی است که به طور وسیع با سلامت و بهداشت روانی خانواده در ارتباط هستند.

11. دستگیری از والدین به هنگام پیری

از دیگر مزایای داشتن فرزند، تحقق بخشیدن به امیدهای والدین در دوران سالمندی و پیری آنها است. زیرا والدین علاقمندند که فرزندانشان در هنگام پیری و کهولت از آنان دستگیری کنند. به تعبیر دیگر داشتن فرزند می تواند «امید به زندگانی» را در والدینی که دارای فرزند هستند، افزایش دهد. در خانواده های فاقد فرزند، معمولاً امید به زندگی در زن و شوهر چندان چشمگیر نیست، و یا هنگامی که والدین فرزندان خود را به گونه ای تربیت نکرده اند که در آینده یار و یاور آنان باشند نیز میزان امید آنان به زندگی چندان زیاد نیست. بنابراین، اگر والدین بخواهند که فرزندانشان در آینده از ایشان دستگیری کنند و با آنان مهربان باشند، باید به تربیت اخلاقی فرزندان خویش توجه بیشتری نمایند و با آنان مهربان و صمیمی باشند. چنین فرزندانی می توانند در زندگی آینده والدین نقش آفرین باشند و در دوران کهولت و ناتوانی از آنان حمایت کنند. آنان که فاقد فرزند هستند، معمولاً دوران پیری را با حمایت کم تری پشت سر می گذارند و از احساس تنهایی، بیشتر رنج می برند و گاه از تصمیم قبلی خود مبنی بر نخواستن فرزند دستخوش احساس پشیمانی می شوند. البته در برخی موارد به خاطر فراهم نبودن شرایط لازم، والدین از داشتن فرزند محروم می شوند که در این صورت نیز در دوران کهولت احساس تنهایی خواهند کرد.

زکریا (ع) به هنگام پیری از خداوند درخواست فرزند کرد. ابراهیم (ع) از نداشتن فرزند اندوهگین بود؛ در ایام کهولت، خداوند اسماعیل و اسحاق را بدو عطا کرد. ابراهیم (ع) به خاطر فرزند دار شدن به حمد و ستایش حق پرداخت. که فرزند دار شدن به راستی اقتضای حمد می کند.

امام سجاد (ع) نیز به حمایت و دستگیری فرزندانش چشم دوخته و از خداوند می خواهد که آن ها را در یاری وی کمک نماید.

امام حسن عسکری (ع) فرزند را بهترین یار و مددکار انسان معرفی کرده و خوار و نگون بخت از نظر او کسی است که فرزندی نداشته باشد.

در طرح بین المللی اقدام برای سالمندان، خانواده بهترین مأمن برای حمایت از سالمندان تلقی شده و تلاش برای حمایت و پشتیبانی از تحکیم خانواده و پاسخ به نیازهای اعضای سالخورده آن مورد تأکید قرار گرفته است. اگر چه روابط درونی خانواده ها از نظر شکل و محتوا، از جامعه ای به جامعه دیگر بر حسب زمینه های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی فرق می کند و در بطن هر جامعه نیز پیوسته در حال دگرگونی است لیکن باید سعی شود احترام به بزرگترها و مساعدت به والدین در دوران پیری دستخوش غرب زدگی نشود. گاهی فرزندان از نگهداری و مراقبت مدام والدین خسته شده و شکیبایی خود را از دست می دهند و قبول مسئولیت بیشتر برای آنها دشوار می شود و با تحویل و سپردن فرد سالمند به مراکز نگهداری سالمندان، خود را از مسئولیت و زحمت نگهداری سالمند خلاص می سازند.

این اقدام اگر چه تا حدود زیادی مسئله اطرافیان و فرزندان فرد سالمند را حل می کند، لیکن اقامت افراد پیر در سرای سالمندان موجب می شود که آنان از خانواده خود دور گردند و نظام روابط عاطفی و خانوادگی شان سست شده و تدریجا از هم گسسته شود و در نتیجه در محیط جدید، خود را به مراتب تنهاتر و اندوهناک تر بیابند که این امر خود زمینه ساز عوارض و ناراحتی های فیزیکی و روانی متعددی در آنان می شود.

بر اساس آموزه های دینی، والدین رشته الفت و دلبستگی به فرزندان خویش را هیچگاه قطع نمی کنند. و این الفت و مودّت، حتی پس از بزرگسالی و تشکیل خانواده برای فرزندانشان ادامه می یابد، این گونه دلبستگی والدین به فرزندان برای موفقیت آن ها در اجرای وظایف رشدی خانواده ضروری است.

به هر حال دلبستگی متقابل والدین و فرزندان، برای تحقق بخشیدن به امیدهای والدین در دوران سالمندی و پیری تعیین کننده است. چنانچه والدین پیش بینی های لازم را جهت انتقال فرزندانشان از دوره نوجوانی به بزرگسالی کنند و به تدریج از کنترل و حمایت خود نسبت به نوجوانان بکاهند، تضادی به وجود نمی آید. در غیر این صورت، زمانی که نوجوانان برنامه جدایی از خانواده و تشکیل زندگی مستقل را طرح ریزی می کنند، از لحاظ عاطفی، خانواده دچار بحران هایی می شود که نه تنها باعث سست شدن رشته دلبستگی می شود، بلکه به گسستن آن ها و احتمالاً پیدایش تضاد میان والدین و فرزندان می انجامد.

12. کاهش درد سرها و مزاحمت ها برای مادران

شواهد نشان می دهد که فرزندآوری از عوامل مؤثر در کاهش مزاحمت های خیابانی برای مادران جوان است. راسل در این زمینه تحقیقاتی انجام داده و نتیجه گرفته است که فرزنددار شدن موجب کاستی دردسرها و مزاحمت ها برای مادران است.

13. فرزند و کارآمدی خانواده

هر خانواده ای برای آن که بتواند وظایفش را انجام دهد، ساختی را به وجود می آورد. این «ساخت» ممکن است خانواده را به واحدی کارآمد یا ناکارآمد مبدّل سازد. کارآمدی / ناکارآمدی در خانواده عبارت است از این که تا چه اندازه الگوهای خانواده در کسب هدف های آن مؤثر و سودمند واقع شده اند. در فرهنگ اسلامی هسته اولیه خانواده را مرد و زن تشکیل می دهند و وجود فرزندان، آن را کارآمد می سازد. نقش فرزند در کارآمدی خانواده به حدّی است که عدم وجود فرزندان در خانواده با واژه «هلاک» تعبیر شده است.

14. دریافت حمایت معنوی پس از مرگ

وجود فرزندان نه تنها شالوده زندگی دنیوی را استحکام می بخشد، بلکه عامل مؤثری در رشد و تعالی معنوی والدین بعد از مرگ نیز خواهد بود.

شواهد نشان می دهد که افراد بهره مند از حمایت اجتماعی از سلامت روانی بهتری برخوردارند. حمایت معنوی از سوی دوستان، بستگان، همسایگان، همکاران و آشنایان به صورت های حمایت ملموس یا مادی (مثل پول قرض دادن)، حمایت اطاعتی (ارائه پیشنهادهای مفید و سودمند) و حمایت عاطفی (همدردی، همدلی، محبت) اعمال می گردد. حمایت اجتماعی نقش بسزایی در بهداشت روانی افراد دارد. تعالیم اسلام در این قسمت بسیار گسترده و قابل توجه است. از توصیه های مؤکد در آموزه های دینی؛ احسان، محبت، انفاق، صله رحم و دعا در حق همدیگر است. یکی از مواردی که فرزندان می توانند در تقویت بهداشت روانی والدین نقش داشته باشند، حمایت معنوی از والدین است.

اسحاق ابن عمار از امام صادق «ع» نقل می کند که شخصی گفت: در داشتن فرزند بی رغبت بودم، تا توفیق وقوف در عرفات نصیبم شد. در کنارم جوانی را دیدم که دعا می کرد و اشک می ریخت و می گفت: «والدی، والدی فرغَبنی فی الولد حین سمعت ذلک».

پدران و مادران از دنیا رفته، از عبادت و مناجات و کار خوب (خیر) فرزندان شان بهره می برند. رسول خدا (ص) می فرماید: «پنج نفر از دنیا رفته ولی پرونده آنان بسته نشده و دایم به آنان ثواب می رسد: کسی که درختی کاشته، چاهی آبی برای بهره برداری مردم حفر کرده، مسجدی ساخته، قرآنی نوشته و کسی که فرزندی شایسته ای از او به جای مانده باشد».

انسانی را تصور کنید با کوله باری از گناه و معصیت از دنیا رفته و هیچ گونه احساس لذّت و دل خوشی ندارد. در چنین وضعی احساس یک بیگانه متافزیکی را خواهد داشت. حال اگر این شخص فرزندی داشته باشد که مدام در حق او دعا کند و خیری برساند، بدون شک برای او اتفاقی لذت بخش و اشتیاق آور خواهد بود. این یک الگو و انگاره دینی در رابطه با بهداشت روانی است که گستره آن را به این جا و اکنون محدود نمی کند بلکه به زمان پس از مرگ نیز گسترش می دهد.

نتیجه گیری

بر اساس یافته های به دست آمده از پژوهش حاضر و ارتباط آن با نتایج مطالعات و تحقیقات انجام شده در روان شناسی، حضور کودکان در خانواده بر حالات روانی والدین، جامعه پذیری، اعتماد به نفس، تقویت عزت نفس، احساس مثمر ثمر بودن و کارآمدی و تداوم حیات خانواده تأثیر مثبت دارد. فرزند به خانواده صفا و صمیمیت خاصی می بخشد و پیوند زناشویی را مستحکم می کند. در مقابل، تنهازیستی و خودداری از داشتن فرزند باعث اختلال در کارکرد خانواده شده و آثار منفی بسیاری بر حالات روانی والدین به همراه دارد.

پی نوشت ها:

1. Self concePt.

2. law self esteem.

3. Social Pressure toeardearly Parenthood, P:340-344

4. المعجم الاوسط، جلد 7، ص 244.

5. تعامل والدین و کودکان، ص 167.

6. قال رسول اللّه: ان لکل شجرة ثمرة و ثمرة القلب الولد (کنز العمال، حدیث 45415).

7. فتعلم انَه منک و مضاف الیک (صحیفه سجادیه، دعای 25).

8. الولد الصالح ریحان من ریاحین الجنه (بحار الانوار، ج 10 ص 368).

9. Socialization

10. گیدینز، آنتونی، جامعه شناسی، ترجمه: منوچهر صبوری، نشر نی، 1377، ص 67.

11. Hafman,L. The value of children to Parent,s NEW York: Bacic Books, 1973 P: 19-76.

12. تعامل والدین والدین و کودکان، همان.

13. Haan.

14. MillsaP.

15. Hartka

16.Mccrae, R and Costa, P. Personanity in Adulthood. Guilford, New York, 2003, P:10.

17. sacralization.

18. و قضی ربک ان لا تعبدوا الا ایاه و بالوالدین احسانا (23) قال رسول الله (ص) رضی الله فی رضی الوالدین و سخطه فی سخطهما (مستدرک الوسائل، ج 2، ص 627).

19. براگا، جوزف، براگا، لوری، با کودکان خود رشد کنید، ترجمه قاسم زاده، انتشارات آسیا، 1368، 6 - 28.

20. من لا یحضره الفقیه، ج 1، 188.

21. در آیات و روایات ازدواج و فرزند آوری عامل و زمینه بی نیازی و برکت در خانواده معرفی شده است: قال رسول الله (ص) اتخذوا الاهل فانه ارزق لکم (وسایل الشیعه، ج 20، ص 43)؛ الرزق مع النساء و العیال (همان، ص 44). در این روایت واژگان «اهل» و «عیال» شامل فرزندان نیز می شود.

22. قال رسول الله: بیت لا صبیان لا برکة فیه (کنز العمال، ج 16، ص 274).

23. دانشگر، احمد، فرهنگ فارسی نوین، انتشارات حافظ نوین، 1381، ص 126؛ معین، فرهنگ فارسی، ذیل واژه برکت.

24. فهب لی من لدنک ولیا یرثنی و یرث من آل یعقوب (مریم، 5-6).

25. الحمد الله الذی وهب علی الکبر اسماعیل و اسحاق، انَّ ربی لسمیع الدعا (ابراهیم، 39)

26. صحیفه سجادیه، ترجمه علی شیروانی، انتشارات دار الفکر، 1381، ص 123 - 127.

27. عن عیسی ابن اصبح قال: دخل العسگری علینا الحبس و کنت به عارفا فقال لی: لک خمس و ستون سنة و شهر و یومان و کان معی کتاب دعاء علیه تاریخ مولدی، و انی نظرت فیه فکان کما قال، ثم قال: هل رزقت من ولد؟ قلت لا قال: اللهم ارزقه ولدا یکون له عضدا فنعم العضد الولد، ثم قال: من کان ذا ولد یدرک ظلامتهان الذلیل الذی لیس له ولد (وسایل الشیعه، ج 21، ص 360 - 361).

28. Transition to Parenthood, P: 294-302.

29. Structure.

30. Efficacy\disefficacy.

31. سوره نساء (4)، آیه 176.

32. وسایل الشیعه، ج 21، ص 355.

33. قال رسول الله: خمسة فی قبورهم و ثوابهم یجری الی دیوانهم، من غرس نخلا و من حضر بئرا و من بنی اللّه مسجدا و من کتب مُصحفا و من خلف ابنا صالحا (بحار الانوار، ج 104، ص 97).

34. قال الصادق (ع): میراث اللّه من عبده المؤمن الولد الصالح یستغفر له (وسایل الشیعه، ج 21، ص 356)؛ و قال رسول اللّه (ص): ان ولد احدکم اذا مات اجر فیه، و ان بقی بعده استغفر له بعد موته (وسایل الشیعه، همان). در برخی روایات به نمونه هایی اشاره شده که والدین گناهکار، در اثر دعا و اعمال شایسته فرزندان مورد رحمت و غفران الهی قرار گرفته اند. به عنوان مثال؛ در روایتی از رسول خدا (ص) آمده است: که مرّ عیسی ابن مریم بقبر یعذب صاحبهُ ثم مرّ به من قابل فاذا هو لا یعذب، فقال: یا رب مررت بهذا القبر عام اول و هو یعذب و مررت به العام فاذا هو لیس یعذب؟ فاوحی اللّه الیه: انه ادرک له ولد صالح فاصلح طریقا و آوی یتیما فلهذا غفرت له بما عمل ابنه (الکافی، ج 6، ص 4).